



محمد توسلی از تجربه اداره پایتخت در روزهای اول انقلاب می‌گوید:

پاسخ به مطالبات تاریخی و نیاز مردم

نگاه بنده خوش‌بینانه است؛ زیرا تجربه یاد داده است که باید در مسیر آموختن قرار بگیریم. توصیه من به اعضای منتخب شورای پنجم این است که از دو زاویه به وظیفه‌شان عمل کنند. یکی اینکه در چارچوب قانون موجود عمل کنند؛ زیرا قانون یک شبه تغییر نمی‌کند. دوم آن‌که کوشش کنند شهرداری را انتخاب کنند که بتواند قانونمند و در راستای اصلاح مدیریت شهری عمل کند.

بعد از آن است که باید نواقض لایحه مدیریت شهری بررسی شود؛ چون در مواردی دچار تناقض است. شورای شهر اختیارش روشن نیست. شورای شهر نیاز به کادر فنی دارد تا بتواند خود برنامه‌ریزی کند تا نظارت بر برنامه‌ها امکان‌پذیر شود. ساختار شهرداری باید عوض شود و برخی از قسمت‌های آن باید زیرمجموعه شورای شهر قرار گیرد.

اما درباره محدوده وظایف مدیریت شهری، به‌جز خدمات شهری، خدماتی مانند آموزش‌وپرورش، محیط زیست، آب و برق و گاز، راهنمایی‌وراندگی و… هم باید به‌تدریج زیرمجموعه مدیریت شهری قرار بگیرند. امروز نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم آمادگی این را دارند که در راستای رفع نواقض لایحه اقدام کنند؛ بنابراین شوراهای جدید می‌توانند درباره نهایی‌شدن این لایحه در دولت و در مجلس پیگیری‌های لازم را داشته باشند.

« جناب آقای توسلی، برای گفت‌وگو با شما دو دلیل مهم داشتیم؛ یکی آنکه شما نخستین شهردار تهران بعد از انقلاب هستید و دیگر اینکه، قانون شوراها در نخستین ماه‌های بعد از انقلاب اسلامی با پیگیری شما در دستور کار قرار گرفت. برای همین می‌خواهم درباره تجربه اداره پایتخت بافالاصل بعد از انقلاب اسلامی، توضیح دهید.

در شرایطی مسئولیت مدیریت شهرداری تهران را پذیرفتم که کل کشور و شهر تهران در یک برهه و شرایط بحرانی بود. بعد از ۲۲ بهمن، اولین مسئولیت‌م تهیه پیش‌نویس اساسنامه طرح کار ملی بود که امام(ره) مطرح کرده بودند و اجرای آن را بر عهده دولت موقت و معاونت امور انقلاب آقای دکتر ابراهیم یزدی گذاشته بودند. مرحوم آیت‌الله لاهوتی هم نماینده اسام(ره) در این مجموعه بودند. نام سیاه پاسداران انقلاب اسلامی را همان‌جا چک خورد و پس از مدتی که تداعی گارد شهنشاهی را می‌کرد، واژه خوبی نبود. واژه سیاه با توجه به عملکرد سیاه دانش، سیاه بهداشت و…، زمینه فرهنگی و اجتماعی خوبی در ذهن جامعه داشت. نگاه این‌طور بود که با توجه به نگرانی از تکرار کودتای ۲۸ مرداد، تا استقرار نهادهای رسمی، باید نهادی ایجاد می‌شد که از آرمان‌های تاریخی ملت ایران و از آرمان‌هایی که مردم در انقلاب داشتند، پاسداری کند و واژه سیاه پاسداران انقلاب اسلامی از همان‌جا چک خورد و پس از تصویب رهبر فقید انقلاب، اعلام شد. به‌رحال، دولت موقت هفتم اسفند مأموریت داد که مدیریت شهرداری تهران را بر عهده بگیرم و بنده توان خود را بر انجام این مسئولیت سنگین متمرکز کردم. این انتخاب و پذیرش آن به استناد سوابق تحصیلی و تجربیات مدیریتی و اجتماعی بنده بود. به لحاظ تحصیلی، کارشناس ارشد مهندسی عمران و دکتری ناتمام حمل‌ونقل و ترافیک را داشتم و هشت سال هم در جایگاه مدیریت مهندسان مشاور با شهرداری تهران در زمینه مسائل مختلف شهری کار کرده بودم. به‌لحاظ اجتماعی - سیاسی هم از سال ۳۶ در دوره دانشجویی و سپس از سال ۴۱ در خارج از کشور، در اروپا، آمریکا و خاورمیانه و پس از سال ۴۶ که به ایران برگشتم و ممنوع‌الخروج شدم تا سال ۵۷، در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و مدیریت انقلاب، تجربه لازم را کسب کرده بودم. با این سوابق و شرایط خاص بعد از انقلاب، مسئولیت سنگینی بر دوش خود احساس می‌کردم. از مدیران بعد از انقلاب انتظار می‌رفت طوری برنامه‌ریزی و عمل کنند که به مطالبات تاریخی و نیاز مردم پاسخ داده شود.

چند موضوع مهم در همان اسفند در دستور کار ما قرار گرفت. یکی از موضوعات، شوراها و ضرورت برنامه‌ریزی برای سپردن کار مردم به دست خود مردم بود. از دوره مشروطه، بحث راه‌اندازی بلدیه مطرح بود. زمان دکتر مصدق این گفتمان توسعه پیدا کرد و اصلاح قانون انتخابات و شهرداری‌ها و بحث توسعه مدیریت شهری و تقویت آن، یکی از محورهای برنامه راهبردی دکتر مصدق در کنار اجرای قانون ملی‌شدن صنعت نفت بود. در دوران تحصیل در اروپا و آمریکا، شاهد روش‌های نوین مدیریت شهری بودم و می‌دیدم در آنجا مردم چطور در اداره شهرها حضور و مشارکت مستقیم دارند. در این کشورها، دولت‌های مرکزی کاری به جزئیات زندگی مردم ندارند. کار را به خود مردم سپرده‌اند. در مقابل لوکال گاورنمنت (local government) که حکمروایی محلی است، دولت‌ها نگاه کلان مدیریتی، منافع ملی و مسائل امنیتی و اجرای قانون و نظارت بر اجرای قانون را بر عهده دارند و به همین دلیل، سازمان و نیروی انسانی دولت‌های مرکزی کارآمد ولی کوچک است.

در کنار این تجربه بشری، ما با توجه به آموزه‌های قرآنی، اصل شوراها را یکی از اصول تعالیم اسلامی می‌دانستیم که بر پایه آن مردم باید در اداره کشور جایگاهی تصمیم‌ساز داشته باشند. از سوی دیگر، حضور مردم در انقلاب و مطالباتی که در شعارهایشان مطرح بود، صرفاً مخالف با شریک شاه نبود؛ بلکه «نظام» استبدادی شاه را در آن مردم جایگاهی نداشتند و مدیریت

پس از برگزاری انتخابات پرشور شورای شهر دو موضوع مهم در اولویت گروه‌های مختلف قرار گرفته است. نخست اینکه شوراها در بطن یک نظام دموکراتیک تا چه حد می‌توانند قابلیت ساختن شهرهایی بهتر برای زندگی داشته باشند و از سوی دیگر، این پرسش که اساسا شناخت تاریخچه شوراهای شهر و روستا چگونه می‌تواند منتخبان پنجمین دوره انتخابات شورای شهر را در کلان شهرها به راهبردی تازه در جهت تحقق اهداف و مطالبات مردم نزدیک کند. مهندس محمد توسلی، نخستین شهردار تهران پس از انقلاب اسلامی است که از سوی مرحوم بازرگان مأمور شده بود تا در مدیریت شهری کشور طرحی نو دراندازد. او در این گفت‌وگو که اخیراً برای انتشار در نشریه تخصصی و با توزیع محدود بلدیه‌نگار انجام داده، به تفصیل به این دو پرسش جدی پاسخ می‌دهد و با ذکر مصداق‌هایی از شیوه و نگاه شورایی در اداره شهر تهران، از این نهاد دموکراتیک به‌عنوان پلی برای مشارکت‌بخشی مردم در مدیریت شهرها می‌گوید:

« اولین شهرداری بودید که بعد از مهندس جواد شهرستانی آمدید. پشت سر شما شهر و شهرداری بود که مردم به آن بدگمان بودند. شما شهرداری شدید بدون داشتن «انجمن بلدیه» اما درصدد برآمدید که شوراها را تشکیل دهید. تعریف آن زمان شما از شورا با آنچه امروز شاهد آن هستیم چه تفاوتی دارد؟ درواقع بگذارید شفاف بپرسم. چه نمره‌ای می‌دهید به شورای شهر؟ قرار بود شوراها برخلاف انجمن بلدیه، نهاد حکومت از پایین باشند. این اتفاق افتاد؟ انجمن بلدیه پس از انقلاب مشروطه در زمانی شکل گرفت که مردم نیاز پیدا کردند به جای اوامر شاهانه، قانون حکم کند. واژه بلدیه به معنی شهرداری و نظام شهرنشینی است. فرنگ‌رفته‌های آن روز به دنبال ساماندهی زندگی شهری بودند. در دوره دکتر مصدق با آن نگاه راهبردی توسعه سیاسی، مدیریت شهری در کنار ملی‌کردن صنعت نفت، از برنامه‌های راهبردی و کلان او بود. بعد از کودتای ۲۸ مرداد که شاه می‌خواست کارهایی انجام دهد، در سال ۱۳۳۴ و سپس در سال ۴۵ با اصلاحاتی قانون جدید شهرداری تدوین شد و در این انتخابات وظایف انجمن شهر و شهرداری پیش‌بینی شده بود. در سال‌های ۴۶ و ۴۷ به‌تدریج آیین‌نامه‌های آن تدوین شد. در این دوره اعضای انجمن شهر انتخاب می‌شدند اما عملاً انتصابی بودند و شخص شاه در انتخاب اعضای انجمن و به‌ویژه شهردار نظر داشت و انجمن شهر هم تابع بود. بعد از انقلاب هم قانون شهرداری مورد عمل بود و در غیاب انجمن شهر طبق قانون قائم‌مقام وزارت کشور معرفی شد که مصوبات ما را رسیدگی و تأیید می‌کردند.

طی شده است. شورای اول یک تجربه خاص بود که به علت برخورد‌های سیاسی، عملاً موفق نبود و متوقف شد و تأثیری منفی بر نگاه مردم نسبت به شوراها در پی داشت. ما متأسفانه فکر می‌کنیم تحولات باید یک‌شبه انجام شود و این ناشی از فرهنگ استبدادی ما در سطح کلان جامعه است؛ فرهنگ زور و زود. لازم است بپذیریم تحولات فرهنگی و اجتماعی زمان‌بر و تدریجی است و ممکن است چند ساند طول بکشد. تحولات مشابه در اروپا قرن طول کشید. اما ما انتظار داریم در این صدسالگی که از انقلاب مشروطه می‌گذرد به جایگاه جامعه صدرصد دموکراتیک رسیده باشیم. همین نگاه بود که باعث شد با شکست شورای اول، مردم به این باور برسند که شورا از اساس به درد نمی‌خورد و همین بود که در انتخابات شورای دوم تهران فقط ۱۱ درصد مردم شرکت کردند و با اینکه هم‌زمان با مجلس ششم بوده و وضعیت تأیید صلاحیت‌ها متعادل بود، رای اقلیتی که فقط کمی بیشتر رای داشتند به کرسی نشست و از دل آن شورا، آقای احمدی‌نژاد شهردار شد و شهردار هم برای او سکوی پرشی به سمت ریاست‌جمهوری شد.

در آن انتخابات عملاً مردم با قهر از صندوق انتخابات، خودزنی کردند و عملاً رای به آقای احمدی‌نژاد دادند و این تجربه گران‌قدری بود که مردم هوشمند ما در انتخابات‌های بعدی به کار گرفتند. شورای سوم و چهارم هم از نظر من در همان راستای یادگیری طی شده است. ناگوارآمدی قانون و مشکلات شورای شهر با مدیریت متمرکز شهرداری در این دو دوره کاملاً برجسته است. برخی از اعضای شورای شهر درخصوص اقدامات خلاف قانون و عدم شفافیت مالی شهرداری اظهار نظر کردند و مدیریت شهرداری را به چالش کشیدند. امروز هم مردم، هم دولت، هم وزارت کشور و هم شهرداری تهران به این نتیجه رسیدند که ادامه وضع موجود قابل تحمل نیست. به‌همین‌دلیل است که افراد زیادی آمدند و برای انتخابات نام‌نویسی کردند؛ سه هزار داوطلب برای ۱۱ کرسی. من فکر می‌کنم که وظیفه ما به‌عنوان کارشناس و وظیفه شما به‌عنوان رسانه این است که کوشش کنیم در این تجربه تاریخی شرکت کنیم و مشکلات و راهکارها را ارائه دهیم. کوشش کنیم شورای شهر پنجم با اطلاعات بیشتر بتواند راه را برای اصلاح لایحه مدیریت شهری هموار کند.

« شورای بعد از چطور می‌بینید؟ قرار است دولت مدیریت یکپارچه را در دست تدوین قرار دهد. با این فرض که شورایی پنجم به تصویب این طرح برسد، مشق اولیه این نوع از مدیریت شهری چگونه خواهد بود؟

روزنامه شرق

زاویه

پنجشنبه • ۲۵ خرداد ۱۳۹۶ • سال چهاردهم • شماره ۲۸۸۸ • ۹

گزارش فردا

گزارش «شرق» از آن روی سکه افغانستان

توپ‌زنی برای صلح

محمد اخترماکونی: کمتر از چند هفته پیش در اوج مناظرات انتخاباتی ایران، یک جام فوتبال با حضور دو تیم از ایران برگزار شد؛ مسابقاتی برای جلب توجه به صلح در هرات. این گزارش درباره تأثیری است که این مسابقه بر حال‌وهوای شهر و مردم آن گذاشته است.

شادی باتوفان

در روز اول این جام تیم صرافان با نماینده تربت‌جام، به رقابت پرداخت؛ در آن روز، حتی روی دیوارهای ورزشگاه ۱۵ هزارنفری هرات هم تماشاگر نشسته بود. حتی اطراف فنس‌های کنار زمین هم تماشاگران زیادی ایستاده بازی را تماشا می‌کردند. این رقابت که برخی بازی‌های آن از سوی یک شبکه تلویزیونی محلی هم به صورت زنده پخش می‌شود، کاری کرد که هزاران نفر از شهروندان افغان که در یک وضعیت جنگی زندگی می‌کنند، برای لحظاتی هم که شده شاد باشند و برای رسیدن روزی که همه روزهای سال این‌گونه باشد، دعا کنند. این موضوع را بصیر احمد، دانشجوی دانشگاه هرات، می‌گوید. وی که با دوستش برای دیدن بازی به استادیوم آمده است، مقابل استادیوم در حال خرید تخمه، به یکی از بازی‌ها اشاره می‌کند که در آن، بیرون از ورزشگاه سه نفر بر اثر توفان جان خود را از دست دادند: «رفته بودم سونا و برای میهمانی شب خودم را آماده کردم. اما چنددقیقه از شروع بازی نگذشته بود که توفان شدیدی شروع شد؛ اول باد شدید و خاک بود، بعدش هم باران، نزدیک بود درخت‌ها بیفتند، بیرون اما چند نفر کشته شدند». در آن روز بنابر گفته سخنگوی بیمارستان هرات، سه نفر به دلیل ویران‌شدن دیوار خانه کشته شدند و شش نفر هم زخمی. بصیر احمد به بازی آن روز اشاره می‌کند و می‌گوید که برای بازی بین تیم‌های هرات و کابل، استادیوم تقریباً پر شده بود. او به یک گفته رئیس شورای ولایتی هرات اشاره می‌کند: «وسط‌های بازی رئیس شورای ولایتی گفت که به هرکسی که گل بزند، ۲۰۰ دلار جایزه می‌دهد، این جمله را گوینده ورزش‌گاه هم اعلام کرد که باعث افزایش هیجان بین تماشاگران بازی شد». در آن روز چهار گل زده شد. در این قسمت از افغانستان خبری از توریزسم نیست و فقط حرف فوتبال است که بین جوان‌ها طرفدار دارد. فردی که داخل یک اتاقک نشسته است و بلیت می‌فروشد، می‌گوید که فکر نمی‌کرده از این رقابت چنین استقبال گسترده‌ای صورت گیرد: «در روزهای عادی بازی‌های دوستانه‌ای که برگزار می‌شد، قیمت بلیت ۱۰ افغانی بود و افراد خیلی کمی هم می‌آمدند، در این چند روز با وجود اینکه قیمت بلیت ۳۰ افغانی شده است، بیشتر اوقات استادیوم پر می‌شود». خیلی وقت صحبت‌کردن نداشت و باید به‌سرعت، به افراد داخل صف بلیت می‌فروخت. بیرون استادیوم هرات که در پارک «ترقی» واقع شده است، نیروهای امنیتی زیادی همراه با سلاح‌های خود ایستاده‌اند، برای اینکه گروه‌هایی که در جنگ افغانستان ذلیل هستند، با دولت این کشور در جنگ، از چنین فرصت‌هایی برای زهرچشم‌گرفتن از دولت دریغ نخواهند کرد. به یکی از سربازان اطراف استادیوم نزدیک می‌شوم که در گوشه‌ای از لباسش پرچم افغانستان را نصب کرده است؛ از او که پرسیدم وضعیت چطور است؟ می‌گوید خوب و تلاششان را می‌کند که روز خوبی برای مردم شهر باشد و آرزو می‌کرد که همیشه مردم افغانستان این‌گونه خوشحال باشند. برخی هم به حضور افرادی که با ماشین‌های ضدگلوله و محافظ‌های مسلح خود می‌آیند، انتقاد وارد می‌کنند که حضور این افراد دلیل احتمالی برای حمله به مردم خواهد بود. متین که پرچم افغانستان را روی شانه‌های خود انداخته و شیوری

سقفد را در دست دارد، می‌گوید: «آن فردی که می‌آید خود را منفرج می‌کند یا حمله‌ای انجام می‌دهد، دنبال من و شما که نیست، او دنبال افرادی است که مقام بالایی داشته باشند تا با تئور آنها بتوانند قدرت خود را نشان دهند، این وسط اما افراد زیادی از این جوان‌هایی که با شادی به استادیوم آمده‌اند قربانی خواهند شد که امیدوارم هرگز چنین نشود». یکی دو ساعت مانده به آغاز بازی، سمت سایه استادیوم فرود آمد. چمن این استادیوم را همین اواخر تغییر دادند و دارای یک چمن سبز مصنوعی است. در گوشه‌ای از ورزشگاه فردی ایستاده است با پارچه‌نوشته‌ای با این مضمون «ما صلح می‌خواهیم». به‌سختی خود را به او می‌رسانم؛ هزار میلیارد تومان سرمایه‌کنشور به علت بی‌تدبیری در واحدهای خالی بدون مشتری بلوکه شده است و این آمار هنگامی که با بودجه عمرانی دولت در سال ۹۵ که معادل ۴۱ هزار میلیارد تومان بوده است مقایسه شود، میزان هدررفت سرمایه‌ای را که قادر به رشد اقتصادی کشور است، نشان می‌دهد. از سوی دیگر، با توجه به سرشماری‌های انجام‌شده، اکثر این واحدهای خالی در مناطق ۱، ۲، ۳، ۴ و ۱۱ قرار گرفته‌اند؛ مناطقی که طرح تفصیلی آنها تنها ۳۰ الی ۴۰ درصد اجرا شده و فروش تراکم مازاد به‌وفور دیده می‌شود. حال باید پرسید، اگر در این مناطق فروش تراکم ممنوع می‌شد و مبنای شهرداری اجرای واقعی طرح تفصیلی بود و این مازاد سرمایه به مناطق دارای بافت فرسوده هدایت می‌شد، آیا باقی فرسوده‌های در شهر باقی می‌ماند؟ آینده تهران در گرو اجرای کامل طرح تفصیلی است، چراکه اجرانشدن این طرح ۲۰۰ هزار میلیارد تومان سرمایه خوشبختانه، در سال ۱۳۹۳ وزارت کشور این مهم را در دستور کار خود قرار داده و پیش‌نویس لایحه مدیریت شهری را تهیه و به دولت تقدیم کرده است. درحال‌حاضر موضوع در کمیسیون خاص در دست بررسی است و تاکنون دو کنفرانس هماندیشی برای بررسی این لایحه برگزار شده است. به طور خلاصه اهداف مطرح‌شده در این لایحه هماهنگ با تجربه جهانی است؛ اما ضوابط تعریف‌شده برای شورای شهر و مدیریت اجرایی شهر واقع‌بینانه نیست؛ به‌طوری‌که پیامد آن افزایش تمرکز اختیارات در مدیریت اجرایی شهر و کاهش جایگاه شورای شهر برای انجام وظایف محوله خواهد بود.

مطالبات

۲ **مطالبه مهم از شورای شهر**

گذشته و آینده تهران را پاس بدارید



از ویژگی‌های مهم شهر این است که حیاتبش به بقای خاطراتش وابسته است. خاطرات جمعی در شکل‌گیری هر شهر مؤثر هستند و زدودن این خاطرات می‌تواند استمرار حیات معنوی شهر را دچار اختلال کند. پاسخ این سؤال که چرا در شهری همچون تهران، یادگارهای تاریخی رویدادهای مهم و تاریخ‌ساز، کمتر به چشم می‌آیند، این است که کشف چنین یادگارهایی نیاز به نگاه مجدد به پایتخت ایران دارد. هنوز نقاط مختلف این شهر پر از خاطره‌های رویدادهایی است که در آن اتفاق افتاده و درحال حاضر، شرایط حکم می‌کند که این یادگارها خواناتر از قبل شوند تا بتوانند خود را روایت کرده و به مخاطب معرفی کنند. این نگاه پادمانی به گذشته، لزوماً با ارائه گل حجم سنگی یا یک مجسمه ماندگار نمی‌شود، بلکه فرایندی است که می‌تواند نقطه‌ضعف روایت داستان را در بطن شهر درمان کند. درباره خاطره حضور بزرگان اساسی، ازجمله اصول ششم، هفتم، پنجاهوششم و به‌طور مشخص در فصل هفتم شوراها، اصل‌های صدم تا یکصدوششم آن تبلور پیدا کرد.

« کار را چگونه آغاز کردید؟ شما دنبال پیاده‌کردن مدل تازه‌ای از مدیریت شهری بودید. این آغازگاه‌ی مهم هستند.
از همان هفته‌های اول اسفند ۱۳۵۷، گروه کارشناسی تشکیل شد تا مطالعاتی را در زمینه اصلاح ساختار تقسیمات شهری و همچنین تهیه پیش‌نویس قانون شوراها انجام دهند. هدف اصلی از این مطالعات فراهم‌کردن زیرساخت‌هایی بود که براساس آن بتوان اداره شهر را در چارچوب مدیریت واحد شهری انجام داد و کل خدمات مورد نیاز مردم به خود مردم سپرده شود.

براساس مطالعات گروه تقسیمات شهری، با توجه به اینکه محدوده غربی شهر تهران مسدود نبود، در شهر تهران ۳۴۱ محله با اشتراکات فرهنگی و اجتماعی شناسایی شد. از ترکیب تعدادی از محلات، نواحی شهری و از ترکیب چند ناحیه ۲۰ منطقه شهری مشخص شد که محدوده آنها کاملاً مرزهای طبیعی و منظمی دارند. براساس این شهر تهران به ۲۰ منطقه و هر منطقه به تعدادی نواحی و محلات تقسیم‌بندی شدند. طبق قانون شوراهای مطالعه‌شده مقرر شد کوچک‌ترین واحد حکمروایی، محله باشد و هر محله بین ۱۰ تا ۲۰ هزار نفر جمعیت داشته باشد. پیش‌بینی شده بود از هر محله حداقل پنج نفر نماینده انتخاب شوند و از نمایندگان محلات در هر منطقه شورای منطقه تشکیل شود و از هر منطقه نیز حداقل یک نماینده در شورای شهر حضور داشته باشد. به‌این‌ترتیب ارتباط ارگانیک بین نمایندگان محلات و مناطق با شورای شهر برقرار می‌شود. در سال‌های اخیر که محدوده غرب میل کن وارد محدوده شهر شد، دو منطقه ۲۱ و ۲۲ نیز به مناطق شهر تهران اضافه شده است. براساس مطالعات جدیدی که انجام شده، تعداد کل محلات شهر تهران به ۳۵۴ محله رسیده است.

گروه مطالعات قانون شوراها ابتدا «طرح تشکیل شوراهای شهری و نحوه اداره شهر تهران» را در شش فصل و ۴۴ ماده تهیه کرد. این طرح پس از بررسی در وزارت کشور و اصلاحات به‌عمل‌آمده مجدداً در پنج فصل و ۳۰ ماده با عنوان «قانون تشکیل شوراهای شهری و نحوه اداره شهر تهران» در تیرماه به دولت موقت ارسال شد. مرحوم مهندس مهدی بزرگان طرح را با دقت مطالعه و نظرات خودشان را در حاشیه آن منعکس کردند. براساس این نظرات پیش‌نویس اصلاح و طرح جدید در اول مهر سال ۱۳۵۸ در شورای انقلاب به تصویب عمرانی و اجرای مواد ۴۲ و ۴۴ این قانون مجدداً طرح آیین‌نامه‌های وظایف و اختیارات شورای شهر تهیه و برای تصویب دولت موقت، ارسال شد. یادداشت‌های مرحوم مهندس بزرگان، نخست‌وزیر دولت موقت، در حاشیه پیش‌نویس این آیین‌نامه‌ها (که در اسناد موجود است) نیز توجه و دقت نظر ایشان را برای سامان‌بخشیدن به مدیریت شهری و اهمیت آن نشان می‌دهد.

« کمی بیشتر این طرح را تشریح کنید؛ چون نقطه عطف مهمی در تاریخ شهرداری‌های ایران است. اداره شهر به شکل ساختاری چه تغییراتی پیدا می‌کرد؟ فقط بحث نمایندگان محلات و… که مطرح نبود؟

نگاه ما در جایگاه موقت مدیریت شهری و به‌عنوان کارشناس این بود که ساختار اداره شهر به کلی متحول شود؛ نه‌تنها مردم از طریق شورای محلات، مناطق و شورای شهر به خدمات شهری نظارت داشته باشند؛ بلکه ساختار مدیریتی بقیه خدمات مورد استفاده شهروندان را نیز با این تقسیم‌بندی هماهنگ کند و زیر نظر مردم اداره شود؛ البته به غیر از خدمات قضائی، امنیتی و مسائلی که جنبه ملی دارد. به‌این‌ترتیب شورای شهر از وضعیت کنونی شورای شهرداری خارج شده و به صورت مدیریت واحد شهری در خواهد آمد. دراین‌صورت همه خدمات شهری و مورد نیاز زندگی مردم زیر نظر مردم قرار خواهد گرفت و سازمان دولت هم کوچک خواهد شد. در کشور ما متأسفانه سازمان‌های دولتی ازجمله وزارت کشور تسکلیات گسترده‌ای در سراسر کشور دارند و با اجرای قانون مدیریت واحد شهری و سپرده خدمات روستاها و شهرها به دست خود مردم، همان‌گونه که در سایر کشورها مورد عمل قرار گرفته است، سازمان دولت مرکزی کوچک خواهد شد و بر وظایف ملی و نظارت بر اجرای قانون متمرکز خواهد شد.

خوشبختانه، در سال ۱۳۹۳ وزارت کشور این مهم را در دستور کار خود قرار داده و پیش‌نویس لایحه مدیریت شهری را تهیه و به دولت تقدیم کرده است. درحال‌حاضر موضوع در کمیسیون خاص در دست بررسی است و تاکنون دو کنفرانس هماندیشی برای بررسی این لایحه برگزار شده است. به طور خلاصه اهداف مطرح‌شده در این لایحه هماهنگ با تجربه جهانی است؛ اما ضوابط تعریف‌شده برای شورای شهر و مدیریت اجرایی شهر واقع‌بینانه نیست؛ به‌طوری‌که پیامد آن افزایش تمرکز اختیارات در مدیریت اجرایی شهر و کاهش جایگاه شورای شهر برای انجام وظایف محوله خواهد بود.



عکس: مهدی توسلی